



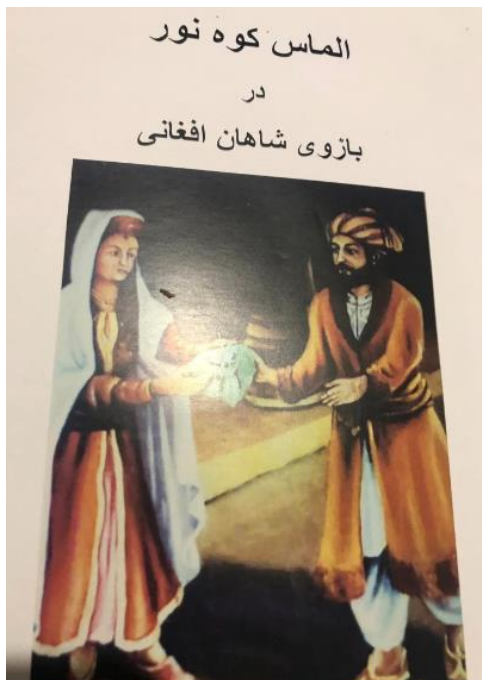
۲۰۲۳/۱۲/۱۰



کانديد اکادميسين سيستاني

الماس کوه نور در بازوی شاهان افغانی

عنوان فوق اثری است دلچسپ از قلم چناب عبدالباری جمال قندهاری سابق افسر پولیس که با قطع و صحافت زیبا در ۱۳۷ صفحه از سوی اداره ماهنامه پگاه در شهر تورتوی کانادا در سال ۲۰۲۳ بچاپ رسیده است.



نسخه ی از این رساله تاریخی را مولف ارجمند از کانادا برایم ارسال کرده بودند که بدینوسیله از لطف شان تشکر میکنم و از تاخیر در معرفی این رساله بنابر مصروفیتهای فرهنگی، از مولف محترم معذرت میخواهم.

این رساله پر محتوا با شعری از شاعر قند نیمروز نور احمد عزیزی با این مطلع «الهی عظمت دوران من گو؟» آغاز شده که نشان میدهد آن شعر تا اعماق روح مولف نفوذ کرده بوده است. سپس تقریظی از قلم تویسنده شناخته شده کشور جناب پیکار پامیر توجه را بخود جلب میکند که مشوق مولف در تدوین و تالیف این اثر بوده است. از آن پس مقدمه کوتاه مولف به نظری آید که در آن میگوید: «گرچه سنگ قیمتی و با ارزش (الماس) در جهان زیاد پیدا میشود، اما هیچکدام این سنگها به اندازه الماس

کوه نور محبوبیت و مقبولیت نداشته و مورد توجه جهانیان قرار نگرفته است.» (ص ۱۲)
 چنانکه از نام این رساله بر می آید الماس کوه نور، نامی آشنا برای همه مردم جهان و بخصوص مردمان هند و افغانستان و ایران است که درباره آن کم و بیش شنیده اند ولی اطلاعاتی که در این رساله درج شده میتواند گفت کم نظیر است.

در این رساله مولف علاوه بر بحث بر سابقه و پیشینه پیدایش الماس کوه نور در کشور هندوستان و اندازه و بزرگی و ارزش آن بلکه از یک نوع الماس دیگری بنام دربای نور نیز معلومات دلچسپی بدست میدهد.

مولف سیر تاریخی الماس کوه نور را چنین گزارش میدهد که این گوهر گرانبها بعد از اسلام در قرن هشتم هجری از دست بکرماجیت پادشاه مالوه در هند شمال غربی بدست علاء الدین خلجی یکی از شاهان خلجی هند می افتد و بعد به تصرف شاهان لودین قرار میگیرد و از سلطان ابراهیم لودین بدست بابر، نخستین شاه مغولی هند می افتد و از بابر به پسرش همایون و از همایون به مغول اعظم

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

جلال الدین اکبر واز او به شاه عالم اول واز او به جهانگیر شاه و از او به اورنگ زیب و عالمگیر اول و سپس به محمدشاه آخرین شاه مغولی هند واز او به تصرف نادرشاه افشار ایرانی قرار گرفت و بعد از مرگ نادرشاه به احمدشاه درانی موسس افغانستان انتقال یافت و از احمدشاه به پسرش تیمورشاه درانی و از تیمورشاه به شاه زمان و بعد از او در سال ۱۸۰۳ به شاه شجاع و از شاه شجاع در سالهای ۱۸۳۲ یا ۱۸۳۴ به تصرف رنجیت سینگ در می آید و بعد از مرگ رنجیت سینگ به پسرش دلپ سینگ رسید واز دلپ سینگ در سال ۱۸۴۸ بدست انگلیسها افتاد و دلهوزی حگمران انگلیسی هند آنرا در ۱۸۵۲ به ملکه انگلستان اهداء کرد و اکنون زینت تاج ملکه انگلیس است. (ص ۴۶-۷۳)

و اما الماس دریای نور که کوچکتر تر از الماس کوه نور است اکنون در موزیم ملی ایران نگهداری میشود.

مؤلف افزون بر معرفی این دونوع الماس معروف و شگونیهای نیک و بد آنها در مورد ده معدن الماس در کشورهای مختلف جهان نیز معلومات ارایه میکند که برای جواهر فروشان و جواهر دوستان اهمیت فراوان خواهد داشت.

مؤلف در صفحه ۷۰ رساله زیر عنوان شاهان مغول و الماس کوه نور بحث جالبی درباره جواهرات خزاین هند و ارزش گذاری پولی الماس کوه نور دارد که بسیار جالب است. افزون بر این اطلاعات مؤلف درباره تخت طاووس نیز معلومات دلچسپی ارایه میکند و میگوید که این تخت در شب قتل نادرشاه افشار توسط شورشیان تکه تکه شد و هریک پاره ای از آن اثر هنری بی مثال را برای خود بردند. (فصل دوم)

مؤلف تمام اطلاعات خود را استوار بر منابع و ماخذی ساخته است که در هند یا ایران منتشر شده اند اما یگانه کاستی در ارایه این اطلاعات اینست که هنگام نقل مطالب از ذکر دقیق صفحه ماخذ و سال چاپ ماخذ خود داری کرده است. البته در اخیر رساله نام تمام ماخذی که از آنها استفاده بعمل آمده ذکر شده اند اما بهتر بود تا برای رفع شک و شبهه خواننده در اخیر هر نقل قول ماخذ نیز نشان داده میشود.

در اخیر برای مؤلف سختکوش و وطن دوست موفقیت های بیشتری در راه غنای تاریخ و فرهنگ کشور خواهانم. پایان ۲۰۲۳/۱۲/۶